

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع: گاردین، نشریه حزب کمونیست استرالیا
فرستنده: عثمان حیدری و یادداشت پورتال
۱۶ مارچ ۲۰۱۹

مودگرایان مارکسیست



گرچه این به خودی خود یک «موضع» نیست، اما برخی مارکسیست‌ها نیز مودگرایان برجسته‌ای بوده، و برخی دیگر آشکارا ساده‌پوش بوده‌اند. اما، یک رویکرد مارکسیستی می‌تواند بسیار آشکارکننده باشد. مود (به طور قابل استدلال) منحصر به نوع بشر و یک مشخصه آن است. برخی موجودات دیگر با «پوشیدن» «اشیای خارجی» خود را می‌آریند، تبلیغ نموده یا پنهان می‌سازند. اما (تا جایی که معلوم است) در هیچ مورد هیچ انتقال اجتماعی چشمگیر یا تکامل یک عادت وجود ندارد. و لباس- پوشیدن و تولید آن- مختص بشر است. خودآرایی بشر به گذشته‌های دور بازمی‌گردد. مردم‌شناسان درباره‌ی منظور اجتماعی آن گمانه‌زنی کرده‌اند، اما گرچه مواد و زینت‌ها وابسته به چیزی هستند که در محل قابل دسترس است یا می‌تواند از دورتر از محل تهیه شود، فقط در چند مورد اندک سند روشن محیط زیستی یا عملی از جزئیات زینت بدن وجود دارد. به دیگر سخن، به نظر می‌رسد این تنها «مود» باشد و این احتمالاً درباره‌ی بیشترین بخش از تاریخ بشر نیز صدق می‌کند.

با پیدایش جوامع طبقاتی، از جمله برده‌داری و فئودالیسم، مود به مثابه یک نشانگر جایگاه اجتماعی، نقش جدیدی گرفت.

حرفه‌ها و صنف‌های گوناگون- از روحانیون تا پینه‌وزان- با لباس خود را متمایز و مشخص می‌کردند. این گه‌گاه، در جاهائی مانند دربار- از رژیم قدیم فرانسه تا دوره نیابت سلطنت بریتانیا- می‌توانست یک شکل افراطی به خود بگیرد. لباس به یک عنصر اساسی «قوانین رفتار»، برای تأکید بر تمایزات اجتماعی و حفظ آن، مبدل شد. اما در درون سرمایه‌داری، مود سرشت کلاً جدیدی به خود می‌گیرد. مارکس مود را به مثابه یک دینام (نیرو) و همچنین یک محصول سرمایه‌داری می‌دید.

پوشاک برای انقلاب صنعتی محوریت داشت؛ تولید نساجی نظام کارخانه‌ای را بنیاد نهاد که در آن بزرگسالان و خردسالان در شرایط هولناک از پنبه‌ای که به وسیله بردگان در آن سوی آتلانتیک تولید شده بود، پارچه تولید می‌کردند.

نه فقط نیاز، بلکه مود نیز محرک بازار برای تولید بود.

استر لزی، تحلیل‌گر مارکسیست فرهنگ مدرن، توضیح می‌دهد چگونه مارکس مود را به مثابه نمادی از سرمایه‌داری می‌دید. مارکس در «سرمایه» درباره «بلهوسی جنایتکارانه، پوچ مود» در پیوند با آنا‌رشی عمومی تولید سرمایه‌داری نوشت.

سرمایه‌داری تازگی دایم را- نه فقط در شیوه تولید، بلکه در خود تولیدات- در جهت ابقای فروش و منفعت لازم دارد. در کنار سیکل‌های «عادی» تجاری و مبادلات، در نتیجه عوامل بیرونی مانند آب‌وهوا، «مود» و سفارشات بزرگ ناگهانی که باید در کمترین زمان ممکن عملی شوند، به کار موقت؛ دوره‌های «رنج غیرانسانی» متناوب با گرسنگی می‌انجامد- وضعیتی که با توسعه راه‌آهن و تلگراف تشدید شد.

مارکس از یک تولیدکننده نقل می‌کند که مشتریان او هر دو هفته یکبار از گلاسکو، منچستر و ادینبورگ به انبارهای عمده‌فروشی که کارخانه او تأمین می‌کرد، سفر می‌کنند «و به جای خرید از انبار کارخانه‌کاری که در گذشته انجام می‌دادند- سفارشات کوچکی می‌دهند که لازم است فوراً عملی شود».

چیز زیادی تغییر نکرده است- به استثنای این‌که روند تولید جهانی شده و تحت سلطه سرمایه مالی قرار گرفته است. زیاده‌روی آن در حوادثی مانند فرو ریختن کارخانه «رانا پلازا» در بنگله دیش در سال ۲۰۱۳ آشکار است، که در آنجا در شرایط هولناک و دستمزدهای بخور و نمیر، کارگران برای تولید اقلام مود برای «بنتون»، «بُن مارشه»، «مانگو»، «ماتالان»، «پریماک» و «وال‌مارت» عرق می‌ریختند.

حدود ۱۱۳۴ کارگر پوشاک کشته شده و ۲۵۰۰ کارگر دچار نقص عضو شدند.

پوشاک حدود ۷۹ درصد کل صادرات بنگله دیش را تشکیل می‌دهد، ۴۳ درصد کارگران پوشاک ایالات متحده کمتر از حداقل دستمزد دریافت می‌کنند، و دستمزد پائین غیرقانونی و ساعات طولانی در صنعت نساجی بریتانیا متداول است. مود نه فقط مردم را استثمار می‌کند، بلکه برای کره زمین بسیار مخرب است. در کنیا، مواد کیمیائی زراعی- آفت‌کش‌ها و کودهای کیمیائی- بیش از ۷۷ درصد هزینه تولید پنبه خام را تشکیل می‌دهند.

منتقدین اشاره می‌کنند که اوت کوتور گران‌قیمت [عدالت- مود یا دوخت سطح بالا] از تولید گسترده اسراف‌کارانه و استثمارگرانه و مصرف «ارزان» اقلام مود، که برای مدت کوتاهی پوشیده شده و سپس دور انداخته می‌شوند، جدائی‌ناپذیر است.

و مود، موازی با نقش اقتصادی آن به مثابه وسیله‌ای برای منفعت و استثمار و در ارتباط تنگاتنگ با آن، یک عملکرد فرهنگی و ایدئولوژیک دارد.

مارکس برای آگاه بودن از تمایزات پوشاکی دلیل خاصی داشت. او که اغلب مجبور بود خود را گرو بگذارد، نمی‌توانست بدون از گرو درآوردن آن وارد کتابخانه بریتانیا شود. ارزش مصرفی آن فقط این نبود که مارکس را گرم نگه می‌داشت؛ بلکه همچنین دال بر احترامی بود که بدون آن از ورود به کتابخانه محروم می‌شد. مارکس نام «پرولتاریای مندرس» را به فقیرترین بخش‌های طبقه کارگر، که فوراً با لباس خود شناسائی می‌شدند، داد. کارگران «یقه سفید» دست‌ها یا لباس خود را کثیف نمی‌کنند. آن‌ها با لباس خود فاصله خود را از کارگران یدی برجسته می‌نمایند.

لباس همچنان دلالت‌کننده بر تمایزات طبقاتی اجتماع است و گاهی بالعکس می‌شود. عادت کراوات نزدن (یا اغلب، بدون یقه بودن)، که چند دهه پیش غیرعادی بود، اکنون در میان دانشگاہیان عادی است و به نحو فزاینده‌ای در میان مدیران اجرائی بخش مالی تحمل می‌شود. اغلب، کارگران دریافت‌کننده پائین‌ترین دستمزدها (محافظان، خدمتکاران) هستند که مجبور اند اونیوفورم بر تن کنند.

در تالار خرید و فروش سهام تقریباً از موازین ادب است که مردها لباس غیررسمی بپوشند. لباس نشانگر نفوذ و قدرت بین مؤسسات و در درون آن‌هاست. همان‌طور که جولی برچیل اعلام کرد: «اقرار خود را می‌آریند، ابرقدرت‌ها ساده می‌پوشند.»

مود فقط پوشاک نیست. هر مود «مشققات» خود را دارد- کفش، کیف، و لوازم تزئینی که سود سرشاری دارند. علاوه بر این‌ها، البته، صنعت چندین میلیارد پوندی محصولات موی سر و زیبایی.

تانسی هوسکینس، در کتاب خود به نام «بخیه‌زنی: کتاب ضدسرمایه‌داری مود» نشان می‌دهد چگونه سرمایه‌داری مصرف‌کنندگان و همچنین کارگران و مواد خام خود را- امروز نه فقط در پوشاک، بلکه در انبوهی از دیگر اقسام غیرقابل تصور، از تازه‌ترین تلفن هوشمند گرفته تا دیگر چیزهایی که «باید داشت» «بخیه می‌زند». همتای «رانا پلازا» در عرصه فن‌آوری بالا نابودی جاری زندگی‌ها در کارخانه‌هایی مانند «فاکس‌کان» (در شنژن چین، که محصولات الکترونیک آپل را تولید می‌کند) و کودکانی است که در میان کوهی از زباله‌های سمی در سر دیگر زنجیر ارزش می‌لوند.

مود برای فلسفه «منسوخ‌سازی برنامه‌ریزی شده» سرمایه‌داری- در «تلاش سیستماتیک سرمایه برای ساختن افرادی اسرافکار، بدهکار، دائماً ناراضی از ما» محوریت دارد.

و این برای توانائی سرمایه‌داری (تاکنون) برای پشت سر نهادن بحران‌های خود به وسیله اُبراستثمار هم کارگران و هم مصرف‌کنندگان محوریت دارد. مود وسیله غائی برای از خودبیگانگی، مادیت و کالاپرستی و متقاعد ساختن ما به این است که فکر کنیم «تعلق داریم»- در حالی‌که نداریم-یا فکر کنیم «متفاوت هستیم»- در حالی که نیستیم!

الیزابت ویلسون، در «آراسته در رؤیاها» شرح می‌دهد چگونه یک واکنش فمینیستی علیه مود، خود به وسیله مود «منحرف» شده و به وسیله کثافت تصاحب و سرمشق شده است. برنامه‌ها برای «جشنواره هفته مود لندن» که ماه پیش برگزار شد با رژه مودل‌های برتر در نمایش آکسفام برای تبلیغ فروشگاه خیریه شیک پایان یافت.

شخصی، ظاهراً ناآگاه از طنز تلخ گفته خود اعلام کرد: «این نشان می‌دهد شما با خرید در آکسفام می‌توانید کسی باشید که می‌خواهید باشید.»

استر لزی می‌گوید: «مود یک نظام تام است» و نه تنها انحراف از سرمایه‌داری نیست، بلکه در هسته آن قرار دارد و «لنزی را برای کند و کاو سرمایه‌داری» به دست می‌دهد.

هاوسکینس اعلام می‌کند: «مود، به مثابه یک تصویر از این‌که سرمایه‌داری چگونه عمل می‌کند، کامل است. نابرابری و استثمار مستقیماً از گذشته می‌آیند»

«درست همان‌طور که ملکه ویکتوریا لباس‌هایی می‌پوشید که دوزندگان آن در نور شمع نابینا می‌شدند، دختران جامعه امروز اکنون لباس‌هایی را می‌پوشند که به وسیله کارگران بیگانه‌های رومانی، کارگرانی که هر ساعت ۹۹ پنس مزد می‌گیرند، دوخته می‌شوند. [...] مود اجازه می‌دهد استثمار چیز دیگری وانمود شود، در حالی‌که قلب تپنده صنعت مود خلاقیت نیست، منفعت است.»

«برای درک این لازم نیست دورتر از نوشته‌های مارکس و انگلس در بیش از صد سال پیش بروید.» امروز، مود تلاش می‌کند «ما را متقاعد سازد با پولی که نداریم چیزهایی را بخریم که لازم نداریم و به وسیله انسان‌ها و روندهایی تولید شده که ترجیح می‌دهیم در مورد آن‌ها فکر نکنیم، تا بر کسانی که نمی‌شناسیم تأثیری گذرا بگذاریم.» در درون سوسیالیسم احتمالاً «مودها»، در لباس و خیلی چیزهای دیگر، ادامه خواهند یافت. برخی از ما ممکن است هنوز «پیروان از خودگذشته مود باشیم.» اما مود دیگر در اختیار صاحبان و مدیران سرمایه و تابع منفعت نخواهد بود.

برگرفته از «کتابخانه یادبود مارکس» در مورنینگ استار

<http://www.cpa.org.au/guardian/2019/1860/16-marxist.html>

۱۳ مارچ ۲۰۱۹

برگردان از: تارنگاشت عدالت

یادداشت:

این بحث هرچند ممکن است برای بسیاری از خوانندگان جدید و حتا کافی جلوه نماید، مگر در واقعیت امر این طور نیست، زیرا در اینجا در کلیت آن از مود به مثابه حاکم بر تمام فرآورده های مادی، عمدتاً به طرز لباس پوشیدن و اندکی هم آرایش موی اشاره صورت گرفته است.

در حالی که امروز سرمایه برای دوام دوران اسارت آورش نه تنها در تمام شؤون حیات مادی انسان، "مود" را داخل نموده از ساختن شهرها و ساختمان های سربه فلک کشیده گرفته، تا موبل و اسباب و لوازم داخل خانه، از موتر گرفته تا سایر مایحتاج مادی، با تکیه و بهره برداری از قدرت تبلیغ، نه تنها آخرین "پول" و "سنت" را از جیب افراد بیرون می کشد و از طریق کارتهای اعتباری فرد مولد را به برده سرمایه دار نیز مبدل می سازد؛ بلکه باز هم با تکیه و بهره بردن از قدرت تبلیغات در تغییر کرکتر و شخصیت افراد نیز از طریق نمایش افراد و شخصیت های دلخواه سرمایه تلاش می ورزد.

به نظر ما بحث "مود" و نقش مثبت و منفی آن در درازنای تاریخ می تواند یکی از بحث هائی باشد که نیاز به تحقیق بیشتر داشته، از آن جائی که "مود" تمام ابعاد زندگی مادی و حیات اجتماعی انسان را شامل می گردد، می باید با وسعت بیشتری مورد بحث قرار گیرد.

اداره پورتال AA-AA